هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

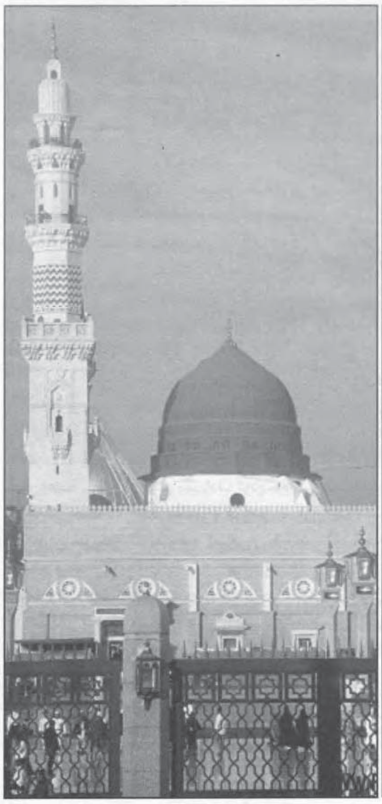


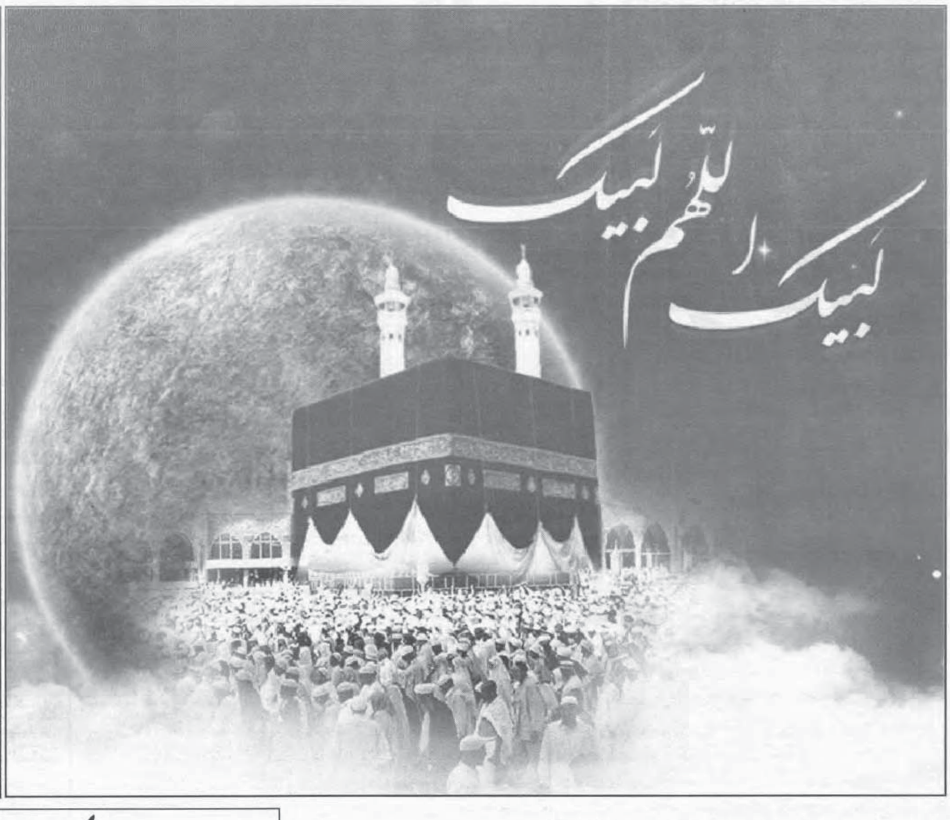
دین تحجر و دشمن تمدن نیست، دین به جهل و استبداد، انارشیزم ، بی قانونی، فساد اخلاقی، فساد سیاسی و فساد اجتماعی اجازه نمی دهد. دین پیام اصلاح، پیام بازسازی، پیام بازسازی جهانی و پیام وحدت بشری را دارد. دین پیامی دارد که حدیت پیامبر (ص) مبین آن است «همه بشریت خانوادهٔ واحد هستند.»

از فرموده های استاد شهید در همایش ۴۶ مین جشنوارهٔ فارغ التحصیلان فاکولتهٔ شرعیات پوهنتون کابل – دلو ۱۳۸۱

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۲۹) ۲ عقرب ۱۳۹۱ ۷ ذوالحجه ۱۴۳۳ - 23 October 2012

عید بر همگان مبارک باد





- **حج رکنی است که فلسفهٔ کلی دین در آن بازتاب می یابد.**
- **حج عروج دوبارهٔ روح است از نقطهٔ هبوط نخستین آن (عرفات).**
- **حج عملی ترین رکن دینی است که با زبان کار و حرکت القا میگردد.**
- **حج تربیتگاهی است که انسان را آمادهٔ پیوستن به جامعهٔ متمدن در روی زمین می سازد.**
- **حج هجرت فکر است که روح انسان را به افق های بلندآسمانی اوج می دهد.**
- **حج سرشارترین و غنی ترین مناسبت برای تجدید فکر دینی است.**

لوې اختر

د تاریخي قربانۍ او اسلامي یووالي ستر مظهر

شفیق

د اسلام پـه مقدس دین کې دوارہ اخترونه د خوښېو هغه ورځې دي چې مسلمانان یې د ځانګړو احکامو له سرته رسولو وروسته لمانځي؛ که کوچني نیکمرغه اختر د اسلام د یو بنیادي رکن (روژې) له نیولو وروسته، د الله جل جلا له د شکر پر ځای کولو په توګه لمانځل کیږي، چې مسلمانان پکې د رمضان د مبارکې میاشتې له روژې وروسته د خپلو خوښېو څرګندونه کوي او هم پکې د فطر صدقه (سرسایه) ورکول کیږي.

نو نېکمرغه لوی اختر بیا د اسلام د یو بل بنیادي رکن (حج) د فریضې اداء کولو وروسته راځي او هغه تاریخي یادونه د مسلمانانو په ذهنونو کې تازه کوي چې د انبیاؤ پلار حضرت ابراهیم علیه السلام د کعبې د دیوالونو په اوچتولو سره د مسلمانانو لپاره پریښې دي، تر څو د دنیا له ګوټ ګوټ څخه مسلمانان د الله جل جلاله د کور زیارت ته ولاړ شي او د خپل نیکه هغه سختې او عبادتي هڅې له نږدې څخه وګوري چې د حج د مقدسې فریضې ګڼ مناسك یې د مسلمانانو لپاره یادونه کوي؛ که هغه د الله جل جلا له د کور ښکلې نظاره او ورځخه طواف دی او که د ابراهیم علیه السلام د قدمونو تاریخي ځای دی، د صفا او مروه د دوه وو کوچنیو غونډیو تر منځه د اوه ځلو تېز تګ او منډو مناسك دي او که د اسماعیل علیه السلام ۷ مخ

۷ مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ /۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

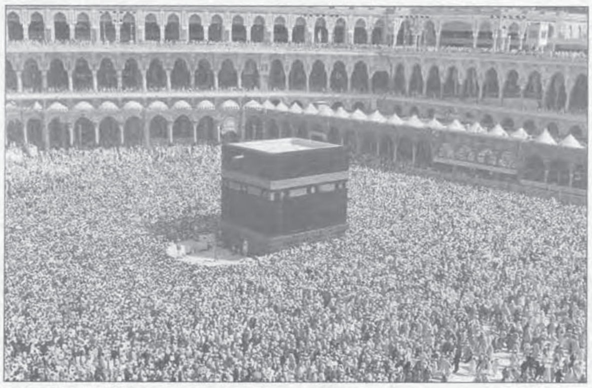
اعیاد از مسلمانان چی می طلبد؟

اعیاد در فرهنگ اسلامی ارزش بزرگی است که پس از دو انقلاب عظیم روحی، رکن سوم و پنجم اسلام (روزه و مناسک حج) از جانب مسلمانان بزرگداشت به عمل می آید که علاوه بر برپایی سرور، باید به مسایل سیاسی و حل مشکلات اجتماعی و شکرانهٔ خداوند یکتا پرداخت. با دید ژرف می توان دریافت که اسلام با دادن زکات در عید سعید فطر (رمضان) و ذبح کردن حیوان حلال در عید سعید اضحی (قربان) در حقیقت برنامهٔ سازندهٔ اقتصادی را طرح ریزی نموده است که بدین وسیله افراد دارای سرمایه به داد مستمندان برسند و مشکلات اقتصادی بین افراد جامعه رفع گردد، تا در جامعه محتاجی دست به تکدی نزند و رُخ به سوی دزدی و غارت اموال مردم نیاورد و یا به محرومیت و تنگنای اقتصادی بسر نبرد.

هفتهٔ اخیر ماه میزان در کشورما به نام هفتهٔ سره میاشت نامگذاری شده است که در این هفته افراد متمول و صاحب سرمایه با کمک و مساعدت از طریق این نهاد خیریه به کمک فقرا و آسیب دیدگان حوادث برسند، امسال که این مناسبت در هفتهٔ پیش از عید مصادف گردیده، بر همه مردم خیر اندیش است تا عید، سرور و خوشی شان را با مستمندان و بیماران شریک سازند و به کمک آن ها بشتابند و به عیادت شان بروند.

رکن پنجم اسلام که حج خانهٔ خداست هر سال در این همایش بزرگ که در جهان نظیر ندارد، بیش از دو میلیون مسلمان از سراسر جهان اشتراک می ورزند، حج مانند هر حکمی از احکام خداوند حکمت و دلیل و فلسفه های دینی و دنیوی را داراست، حج بستر مناسبی برای همفکری، همگرایی، وحدت، در میان گذاشتن چالش ها، رسیدگی، تحلیل و بررسی راه های حل معضلات همدیگر است. اما به جنبه های که برشمردیم کمتر و یا اصلاً توجه صورت نمی گیرد. از این همایش بزرگ توقع می رود تا در صحرای عرفات که همه باهم اند و به جز حق و عدالت و راستی، وسوسهٔ شیطان راه ندارد، روی مسایل جاری در دنیای اسلام و حالتی که مسلمانان با آن دست و گریبان اند قطعنامه ای صادر نمایند تا سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی و زمامداران کشورهای متبوع شان، ملزم به تطبیق آن باشند. می بینیم مداخلات که زمینه ساز نا امنی و بی ثباتی است در کشورهای اسلامی از سوی کشورهای سیطره جو و استعمارگر، جان و مال مردم را می گیرد، از توهین به ارزش ها و مقدسات، حتا به کتاب خدا و توهین به ساحت پیامبر بزرگوار اسلام ناجی بشریت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم دریغ نمی ورزند. اما تا جایی که مشهود است از حج بجز جنبهٔ عبادتی آن که خداوند قبول فرماید، جنبه های دیگری که در فلسفهٔ وجودی این همایش بزرگ نهفته است، به دور مانده ایم.

بر مسلمانان است که در تنفیذ قانون خداوند جل جلاله کوتاهی نه نمایند. حج که پیام دهندهٔ صلح و سلم برای بشریت است از همه افراد، گروه ها و کشورهایی که به نحوی از انحاء در حمایت جنگ افروزان و تروریزم قرار دارند و آنهایی که دخیل جنگ و ناآرامی اند می طلبیم، از آنجایی که صلح را خداوند خیر خوانده است در این امر خیر کشور و مردم افغانستان را یاری رسانند تا به صلح پایدار دست یابیم و از این همه با دلهره زیستن و نگرانی که زادهٔ جنگ است، مردم افغانستان رهایی یابند. عید سعید قربان، عید ایثار و فداکاری به همه مسلمانان کشور و جهان مبارک باد.



فلسفهٔ حج و عید قربان

سید محمد خیرخواه

انسان های مؤمن که در شبانه روزی پنج وقت با هم در سطح مسجد محل اقامت خویش جهت ادای نماز های پنجگانه دید و بازدید کرده و به صورت دستجمعی (جماعت) با هم نماز می گذارند و در هفتهٔ یک مرتبه در روز جمعه جهت ادای نماز جمعه از چندین محل و منطقه در مصلی و یا مسجد جامع بزرگتری جمع گردیده و از احوال خود و وضعیت مسلمانان دیگر و سرنوشت امت اسلام و انسانیت مطالبی را توسط خطباء و وعاظ شنیده و معلوماتی را کسب می نمایند و عملاً حضور خویش را در صحنهٔ حیات اجتماعی و سیاسی جامعهٔ خود نمایان می سازند که با این حضور خود ثابت می سازند در مقابل سرنوشت سایر انسان ها به خصوص مسلمانان بی تفاوت و بی علاقه نبوده بلکه، کمال علاقمندی را دارند. و درسال دو مرتبه هم جهت ادای نماز عیدین فطر و اضحی در مصلی های شهر جمع گردیده و دو رکعت نماز عید را اداء می نمایند و در سال یک مرتبه هم برای ادای مناسک حج بیت الله الحرام از گوشه و کنار جهان از مناطق دور و نزدیک سواره و پیاده، همه کسانی که توانایی این سفر را دارند با لباس واحد، الفاظ و کلمات واحد، همه در اطراف خانهٔ واحد، برای عبادت خدای واحد و لاشریک، لبیک گویان به طواف کعبه و ادای مناسک حج می پردازند و عملاً برائت و بیزاری خود را از شرک و نفاق، دو رنگی و دو دلی نشان داده، با زمزمهٔ کلمات و جملاتی چون: (لبیک اللّهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک ان الحمد و النعمه لک والملک لاشریک لک) را زمزمه می نمایند. (ای بار خدایا! به خدمت ایستاده و آماده ایم، ذات مقدس تو را شریک و همتایی نیست ما همه به خدمت آماده ایم، همه ستایش ها و ثنا و صفت ها بدون شک سزاوار تو است و همه نعمت ها از جانب تو است و تمام ملک و اقتدار و انواع نعمت ها از آن تو است، تو آن ذاتی هستی که شریک و انبازی با خود نداری.)

بدینوسیله ایمان و عبودیت خویش را خاص به حضرت پروردگار عالم اعلان می دارند و موجی از انسان ها (زائران حج) را می بینید که در اطراف خانهٔ خدا مانند پروانه های که در اطراف شمع می چرخند و حاضراند تا خود را فدا سازند، زائران همچنین در دورا دور کعبه با زبان تسبیح و تحمید خدای بزرگ و واحد طواف کرده و مانند همان پروانگان عاشق عشق و محبت خویش را با محبوب و معشوق خود به نمایش می گذارند، و با این طواف در اطراف کعبه یکبار دیگر نشان می دهند که آن ها برای تعمیل اوامر خدای بزرگ آمادگی کامل دارند حتی حاضر اند که در این مسیر قربانی در راه خدا را نیز به آغوش باز بپذیرند و با این مانور دستجمعی در اطراف خانهٔ خدا به دشمنان اسلام نیز می فهمانند که مسلمانان قدرت عظیمی را در جهان تشکیل داده و به سرنوشت یکدیگر علاقمندی کامل دارند و در زمان لزوم از حقوق همدیگر دفاع و محافظت خواهند کرد. اختلافات ظاهری، نژاد، زبان، رنگ، قوم، منطقه و کشور نمی تواند مانع وحدت عملی ایشان گردد و آن ها را از یکدیگر جدا نموده و دور نگهدارد.

زائران حج در این سفر مبارک و میمون با اولین دیدار خانهٔ خدا اشک شوق از دیدگان شان بدون اراده جاری گردیده و فیوضات رحمت خداوندی را با چشم سر و دیدهٔ دل در همه مراسم و اماکن مقدس به خصوص در ایام مبارک حج و زیارت اماکن مقدسه و ادای مناسک واجبه مشاهد می کنند. فیوضاتی که همهٔ آنها رحمت، نور و هدایت بوده و سبب آرامش روح و روان انسان های مؤمن و زائران عاشق خدا می گردد.

زیرا همهٔ زائران خانهٔ خدا «ج» در این ایام مبارک حج با طلب استغفار و آمرزش از جانب خداوند بزرگ می توانند زمینهٔ تزکیهٔ نفس و آمرزش از گناهان را برای خویش به خوبی کمائی کنند و در صورت قبول حج ایشان (حج مبرور) از جانب خداوند، دیگر آنها به منزلهٔ مولودان تازه تولد شده ای خواهند بود که از گناهان پاک گشته و گویا مجدداً به دنیا آمده اند.

حاجی در اثنای طواف کعبه با لمس (حجرالاسود) و در وقوف به عرفات و جبل الرحمه – جائی که همه حجاج با لباس سفید رنگ کفن گونه که خود نمادی از یک محشر کوچکی است – به خوبی می توانند با تضرع به درگاه خداوند کریم از ذات پاک او بخواهند تا همهٔ گناهان شان را ببخشد و آنها را از رحمت بیکران خویش بی نصیب نگرداند، که یقیناً خداوند کریم و رحیم دست های نیازمندان و متضرعان به درگاه خویش را خالی برنمی گرداند و توبه و استغفار بندگان خویش را می پذیرد و قلوب آنها را به نور رحمت خویش منور گردانیده و گناهان آنها را مورد غفران خویش قرار می دهد که او غفور و رحیم است.

حجاج بیت الله الحرام با ورود به مدینه النبی «ص» و دیدار روضهٔ مبارک رسول خدا «ص» می توانند بزرگترین و شیرین ترین خاطرات زندگی را برای خویش کمائی نمایند که اگر بگوئیم سفر (حج) بیشتر شباهت به سفر آخرت انسان مؤمن دارد مبالغه نکرده ایم زیرا در سفر آخرت طوری که انسان مؤمن به دیدار و ملاقات خدای خویش می رود که باید از همه گناهان پاک بوده و باطهارت کامل و با خاطری جمع و قلب مطمئن به این ملاقات و دیدار سفر کند، حاجیان نیز زمانی که به قصد حج سفر می کنند اولاً باید غسل کرده و با طهارت کامل لباس احرام را بپوشند و از تمام امور دنیوی خود را فارغ بال گردانیده با خانواده، دوستان و اقارب خویش وداع کرده و با همهٔ ایشان خدا حافظی نمایند و با اخلاص و قلب پاک و ادای امانت های مردم و طلب پوزش از کسانی که بر آنها ممکن از جانب حاجی جفا و یا ظلمی صورت گرفته باشد خود را آمادهٔ سفر حج گرداند. زیرا ممکن است که او دیگر از این سفر برنگردد و این سفر واقعاً یک سفر عادی نبوده که انسان به شکل فیزیکی و نمایشی، کعبه و یا پشتهٔ عرفات را ببیند و بس. بلکه این سفر یک سفر کاملاً معنوی بوده که در آن می تواند روح و روان انسان جلاء پیدا کند پاک و تزکیه شود و در بازگشت از این سفر تحول مثبت و مفیدی در زندگی فردی و اجتماعی او رونما گردد که امیدواریم حج همه کسانی که به نیت پاک عزم این سفر معنوی را کرده اند مورد قبول درگاه الهی قرار گیرد.

پوهنوال عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

شخصیت پروفیسور ربانی

از زاویهٔ فرهنگ

در این نبشته بر آنم، تا چیستی و چگونگی شخصیت پروفیسور ربانی از زاویه فرهنگی، به بررسی گرفته شود. باور نویسنده این است که استاد ربانی قبل از آنکه یک شخصیت سیاسی کشور باشد، یکی از طلایه داران فصل های سترون تاریخ سرزمین ما است که با دستان نازک خویش همواره ستاره حمل می نمود. استاد با تاریخ دیرینه سال، جغرافیای بزرگ فرهنگ این سرزمین و خاستگاه هویت تمدنی ما پیوند دارد. استاد تأویل، برایند بارز نماد های رازآفرین این سرزمین است.

امروز که جامعه از سیاهی دیروز فاصله گرفته است و فضای باز سیاسی با همه شوکران فقر و نا امیدی، کام رسانه ها را شکرین کرده، و همه نگاه های غبار گرفته معطوف به آینده است. تفکر و دکترین پروفیسور ربانی، بر مبانی فرهنگ استوار است و مفاهیم استقلال، آزادی، عدالت، ستم ستیزی و کرامت انسانی را در خود نهفته دارد و در عصر جهانی شدن این تفکر می تواند ضلعی از اضلاع ورود به جهانی فراتر از نیرنگ و تزویر و مکر و ریا قرار گیرد. در اندیشه و تفکر استاد، سیاست های فرهنگی به فرهنگ سیاسی تبدیل گردیده بود، سیاستی که ثبات منطقه یی و همگرایی در جهت صلح و توسعهٔ پایدار را به دنبال داشته است.

به گفتهٔ عطا ملک جوینی تاریخ نگار قرن هفتم هجری، جامعهٔ آن روزگار را چنین به تصویر می کشد، "امروز دروغ و ریا را پند و ذکر پندارند، اکنون هر بازاری در لباس گناه کار امیر، هر مزدور صدر نشین، هر نیرنگ کار وزیر، هر بخت برگشته دبیر، هر راحت طلبی مستوفی، هر ابلیسی ناظر دیوان، هر دستار بند دانشمند بزرگوار و هر حمالی از برکت شانس گشاده حال گشته است". این سخنان امروز در جامعه ما مصداق پیدا کرده است.

زیرا امروز سیاست های نیرنگ و فریب، مکر و تزویر می خواهد آزادی، عزت و سرزمین را حلق آویز کند، در چنین سیاست هایی نیرنگ و فریب، استاد ربانی وجدان های خفته یی هموطنان خویش را به صدای رسا تبدیل نمود. هنوز صدای پای استاد را می شنوم که آزادی و عزت را فریاد می کند و فرزندان خراسان را برای بازگشت بر سکوی افتخار گذشته به یاری می طلبد.

صدای استاد صدای قرن ها سکوت و صدای سرزمینی خسته از نامردی است. استاد به دنبال تاریخ گم شدهٔ خود بود که باید بر مبنای آن تاریخ آینده ما گذاشته شود.

امروز فضای فرهنگ ما را به گفتهٔ عطا



پروفیسور ربانی چون درخت تناوری بود که ریشه در خاک و سر در آسمان و خورشید داشت. او نوح نبود. اما توفان های زیادی را دیده و تجربه کرده بود. او شاهد رگبار های بود که اندام های ضعیف و لاغر نوباوگان در آن خورد و خمیر می شد.

ملک پیام آوران دروغین و اندیشه های تب آلود و عطش زده پر نموده است. این پیام آوران اجعاف و نا آدمی، همیشه بر شب تاب های این سرزمین، که به دنبال نور و روشنی بودند، حمله می نمودند و آشیانه های گرم پرنده گان آزاد این سرزمین را لگد مال می نمودند.

پروفیسور ربانی چون درخت تناوری بود که ریشه در خاک و سر در آسمان و خورشید داشت، او نوح نبود، اما توفان های زیادی را دیده و تجربه کرده بود، او شاهد رگبار های بود که اندام های ضعیف و لاغر نوباوگان در آن خورد و خمیر می شد.

استاد ربانی در آشفته بازار سیاست و فرهنگ روئیده بود و زلال خود اگاهی و نور را حمل می کرد و در برابر نامردمی چون کوه استوار و در برابر هرزه پرستی، صدای وی چون توفان مهیبی بود که کاروان سفر های مهلک را در فضای کشورش به مثابه یی قطب نما رهنمایی می کرد.

استاد ربانی در حصار شب محصور نبود، هر چند حصارهای زیادی، شب پرستان بر او بسته بودند، او چون عقاب بلند پرواز، بار ها از این حصار های بسته و خفه کننده جسته است و راه به بیرون باز نموده است.

به تعبیر دانشمندی از کشور: او تیمارگری زخم های تاریخی ما بود، وی می خواست تا زخم های ناسور را التیام بخشد، استاد از نادره های نه تنها از جزیره خراسان است؛ بلکه در صف بزرگترین آزادی خواهان جهان برای خود جای باز نموده است.

به گفتهٔ جبران خلیل جبران شاعر تبعیدی لبنان، به من می گویند "هر گاه برده یی را خوابیده یافتی بیدارش مکن شاید خواب آزادی خویش را می بیند، ولی من به آنان می گویم هر گاه برده یی را خفته دیدم، بیدارش می کنم و برایش از آزادی سخن می گویم"

استاد ترسب اندیشه های قرن ما است، قرنی که آتش و سیاهی بر سرنوشت مردم ما حاکم بوده است. او مثل سائر آزادی خواهان از آزادی سخن می گفت و می خواست هموطنان خویش را از خواب گران بیدار سازد.

جای داشت که در آستانهٔ یک سالگی شهادت استاد تعدادی از نخبگان کشور در یک همایش علمی پیرامون ابعاد مختلف حیات سیاسی، علمی و ادبی استاد سخن می گفتند.

استاد پیش از اینکه به سیاست روی بیاورد، به بیداری و عقلانیت می اندیشید. او اندیشه ورز عصر خودش بود، نویسنده یی بود که در برابر اندیشه های من درآوردی چون کوهی استوار ایستاده بود و چون علامه صلاح الدین سلجوقی به پاره یی از چنین اندیشه ها پاسخ می داد و در برابر پایگاه بزرگ ایدیالوژیک که در همسایگی کشور ما می خواست افغانستان و شرق دور را ببلعد به مبارزهٔ فکری پرداخت، او در سطح استاد خلیل الله خلیلی از توانمندی نوشتاری بهره مند بود و اندیشه های کلامی استاد نیز یکی از فراورده های دانشی استاد به شمار می رفت. او به ترجمهٔ تفسیر پرداخت، آثار جدید را از زبان عربی به زبان ملی ترجمه می کرد و پیشبینی های استاد که وجود حکومت محمد داوود روزی در کشور فاجعه خواهد آفرید به تحقیق انجامید.

نمی شود شخصیت استاد را با خوانش چند شعر موزون و ناموزون به بررسی گرفت و در برابر هر چکیده یی ناتراشیده تحسین گفت. بودند کسانی که در حیات استاد دور و بر او را چون مور و ملخ فرا گرفته بودند؛ اما امروز این مورچگان بی آزار اطراف اسلاف وی را چون زنبور عسل که پیرامون ملکه را می گیرد، ایستاده اند و دیگران را نمی گذارند تا در ساحت تفکر استاد به تحلیل و ارزیابی بپردازند، زیرا استاد بالاتر از تشکل های سیاسی امروزی جامعهٔ ما است.

امروز هستند کسانی که وی را در حلقهٔ محدود حزب و تشکل خاص سیاسی محصور سازند، به امیدی روزی که ابعاد مختلف شخصیت علمی و ادبی استاد به بررسی گرفته شود و در قطار بزرگترین فرهنگیان کشور به مردم سرزمین خویش بیشتر معرفی گردد.

استاد ربانی در آشفته بازار سیاست و فرهنگ روئیده بود و زلال خود اگاهی و نور را حمل می کرد و در برابر نامردمی چون کوه استوار و در برابر هرزه پرستی، صدای وی چون توفان مهیبی بود که کاروان سفر های مهلک را در فضای کشورش به مثابه یی قطب نما رهنمایی می کرد. استاد ربانی در حصار شب محصور نبود، هر چند حصارهای زیادی، شب پرستان بر او بسته بودند، او چون عقاب بلند پرواز، بار ها از این حصار های بسته و خفه کننده جسته است و راه به بیرون باز نموده است. استاد تیمارگری زخم های تاریخی ما بود، وی می خواست تا زخم های ناسور را التیام بخشد، استاد از نادره های نه تنها از جزیره خراسان است؛ بلکه در صف بزرگترین آزادی خواهان جهان برای خود جای باز نموده است.

عارف حق شدی و منکر خویش!

ناصر خسرو

حاجیان آمدند با تعظیم
شاکر از رحمت خدای رحیم
جسته از محنت و بلای حجاز
رسته از دوزخ و عذاب الیم
آمده سوی مکه از عرفات
زده لبیک عمره از تنعیم
یافته حج و کرده عمره تمام
باز گشته به سوی خانهٔ سلیم
من شدم ساعتی به استقبال
پای کردم برون ز حد گلیم
مر مرا در میان قافله بود
دوستی مخلص و عزیز و کریم
گفتم او را «بگو که چون رستی
زین سفر کردن به رنج و به بیم
تا ز تو باز ماندهام جاوید
فکرتم را ندامت است ندیم
شاد گشتم بدانکه کردی حج
چون تو کس نیست اندر این اقلیم
بازگو تا چگونه داشتهای
حرمت آن بزرگوار حریم:
چون همی خواستی گرفت احرام
چه نیت کردی اندر آن تحریم؟
جمله برخود حرام کرده بُدی
هرچه مادون کردگار قدیم؟»
گفت «نی» گفتمش «زدی لبیک
از سر علم و از سر تعظیم
می‌شنیدی ندای حق و، جواب
باز دادی چنانکه داد کلیم؟»
گفت «نی» گفتمش «چو در عرفات
ایستادی و یافتی تقدیم
عارف حق شدی و منکر خویش
به تو از معرفت رسید نسیم؟»
گفت «نی» گفتمش «چون می کُشتی
گوسفند از پی یسیر و یتیم
قرب خود دیدی اول و کردی
قتل و قربان نفس شومِ لئیم؟»
گفت «نی» گفتمش «چو می‌رفتی
در حرم همچو اهل کهف و رقیم
ایمن از شر نفس خود بودی
وز غم فرقت و عذاب جحیم؟

سید کریم کریمی زیباکی

یک پیکریم

آن رهبر سنگر وفا را کشتند
حماسهٔ میدان خدا را کشتند
ای نسل جوان با غرور میهن
برخیز و بیا که شاهِ ما را کشتند
ما هیچ شکست را پذیرا نشویم
از سنگر و رزم خویش بیجا نشویم
تا هست نفس در تن فرسودهٔ ما
هستیم ز یک پیکر و تنها نشویم

سید اسدالله جمیلی

مختصر مرثیهٔ به شهید زنده یاد احمد شاه مسعود

بنال ای دل که سالاری زما رفت
ز پنجشیر شیر مرد با وفا رفت
دریغ و حیف احمدشاهِ مسعود
ز پیش دوستان و اقربا رفت
حلیم و با تواضع متقی بود
دریغ از بین ما این پارسا رفت
ز احکام جهاد این مرد دیندار
به سنگرها دوید و هر کجا رفت
جهاد فی سبیل الله به پا کرد
کمر بربست و بر عزم غزا رفت
مکمل بیست و سه سال این جوانمرد
به رزم دشمنان بی حیا رفت
مبارز و مجاهد بود این شخص
به جنگ خصم هر صبح و مسا رفت
برای حفظ خاک و دین اسلام
بدون خوف با این مدعا رفت
به این ارمان جان خود فداکرد
به عشق خاک از حسرت سرا رفت
چو بمب لعنتی ها منفجر شد
بجان نازنینش این جفا رفت
ز مکر و حیلهٔ بمب تروریست
شهید گردید از دار فنا رفت
زسوء قصد این طالب نما ها
ز دنیا جانب دارالبقاء رفت
دریغ و حیف از مسعود غازی
بجانش ظلم از اهل دغا رفت
شهید خونچکان گردید افسوس
به سوی آخرت گلگون قبا رفت
چو رنگین شافع در پیش خدا یافت
تن پر خُون به سوی خدا رفت
شهادت شد نصیبش در رهٔ حق
به آغوش شهید کربلا رفت
روانش شاد باد و هم گرامی
بروحش از جمیلی این دعا رفت

قلهٔ پامیر

محمد ناصر ظریفی

ناگهان برگ درخت و شاخهٔ طوبا شکست
قلهٔ پامیر و شاید تارک بابا شکست
تک درخت بید سوگم سر به خاک افتیده است
همت مجنون به باغ خانهٔ لیلا شکست
ای هواداران راه نسترن زار امید
سبزه برهم خورد و پاکی بتهٔ رویا شکست
باغبانی رفت و شب بو خسته در شام دگر
قد کشید و بارور شد لالهٔ والاء شکست
سالها فصل ثمر بخش و بهشت آرزو
تا قیام آمد ترا، پیش از درو اما شکست
هفتهٔ گل موسم اجلاس صلح مرسل است
مریم و موج بهار و بهنهٔ گل ها شکست

عبدالروف "هبا"

شفق را باز پرسیدم

شقایق ها همه خون شد ندانستم که بسمل کیست
گلستان ها همه پژمرد ندانستم که بسمل کیست
به منزل کاروان ها خفت ندانستم که بسمل کیست
شفق در غرب بس لرزید ندانستم که بسمل کیست
زمین و آسمان بگریست ندانستم که بسمل کیست

ببین ای هموطن این دم که نور از آسمان گم شد
همه شب تیره شد یکدم سراپا کاروان گم شد
فلک از نور شد خالی صفای کهکشان گم شد
درختان جملگی بشکست ز مرغان آشیان گم شد
شبم آخر نشد امشب ندانستم که بسمل کیست

فضا را خون گرفت و کشور خون باز خونین شد
قباها چاک شد از خون نوا ها باز خونین شد
دبستان ها، گلستان ها مکام ها باز خونین شد
فلک از بس که خون بارید شهیدان باز خونین شد
صدا ها، ناله ها، افسوس ها اما ندانستم که بسمل کیست

همه در خاک بنشستند و از اغیار نالیدند
زجور دشمنان با هم همه تکرار نالیدند
نوا خشکیده در دل با دل افگار نالیدند
زبس نالیده بودند بار دیگر زار نالیدند
مه و انجم به هم نالید ندانستم که بسمل کیست

به گوشم گفت هاتف تاج سر از همگان افتاد
در خت بارور در این زمانه این زمان افتاد
شکوه و عزت مردان ره بین آن چنان افتاد
درخشان مهر و ماه این وطن از آسمان افتاد
شفق را باز پرسیدم که بسمل کیست؟
به من او گفت ربانیست

قلم بگرفتم و گفتم کنم تحریر مضمونی
نوشتارم همه خون بود، کاغذ بود پرخونی
رقم می کرد و می رفت در رهش با نقش گلگونی
به خود می گفت و می نالید با آواز محزونی
همه گفتند که بسمل کیست؟ صداها در گلو خشکید
نوا ها گفت: ربانیست ربانیست

بدخشان قرن ها در کان لعل خویش می جوشید
برای لعل سرخ آبدار خویش می کوشید
زجام علم و دانش هر زمان هر بار می نوشید
ردای افتخار صلح را بسیار می پوشید
زلعل سرخ پرسیدم شهید صلح کشور کیست؟
قلم آهی کشید و گفت: **شهید صلح ربانیست**

خواجه بشیر احمد انصاری

(قرائتی متفاوت از «جرگه» شکوهمند حج)

حال ای هموطن عزیز!

تو که حرم را زیارت کردی، سعی کن تا سرزمین خودت را منطقه حرم سازی. سرزمینی که در طی دو دهه، دوازده میلیون لتر خون به روی آن جاری شد.

*

تو که در مسجد الحرام در جای پای بانی نخستین کعبه ایستاده ای کوششی کن تا سرزمین خودت را بازسازی کنی، زیرا (مسجد او این همه روی زمین).

*

تو که از حرم می آئی کوشش کن تا دست، جیب، دامان، زبان و قلم خویش را از حرام نگه داری.

*

تو که از سرزمین حجاز می آیی سعی کن تا با روحی پر و دلی سرشار برگشته و عنصری باشی سازنده و مثبت برای پروژهٔ هویت جمعی ما.



"دریای سینه موج زند ز آب آتشین
تا پیش کعبه، لؤلؤ لالا برآورم"
(خاقانی)

موسم حج فرا رسید و مسلمانان از هر گوشه و کنار جهان سینه فضا، دل دریا و قلب صحرا را دریده و از دل های شان به سوی دهکدهٔ جهانی حجاز کشانیده می شوند تا در بزرگترین کنگرهٔ انسانی و شکوهمند ترین "جرگه" دیپلوماسی مردمی شرکت ورزیده و انفجار نور و طهارت را در گرمترین و احساس برانگیزترین لحظات جوشش آن مشاهده نمایند. و ما که در این سوی دنیا، دست بسته و پای شکسته نشسته ایم و هزاران فرسخ از آن تابلوی ملکوتی به دور، بیائید با سرکشیدن پیاله ای از آبشار نوربیز پیام و مرام این شعیرهٔ بزرگ و عبادت پر رمز و راز و گردهمایی پر کنایه و اشاره عطش خود را فرو نشانیم.

حج رکنی است که فلسفهٔ کلی دین در آن بازتاب می یابد. حج عروج دوبارهٔ روح است از نقطهٔ هبوط نخستین آن (عرفات). حج عملی ترین رکن دینی است که با زبان کار و حرکت القا می گردد. حج تربیتگاهی است که انسان را آمادهٔ پیوستن به جامعه ای متمدن در روی زمین می سازد. جامعه ای بهشت گونه زیرا که "بهشت آنجا که آزاری نباشد - کسی را با کسی کاری نباشد". حج هجرت فکر است که روح انسان را به افق های بلند آسمانی اوج می دهد. حج سرشارترین و غنی ترین مناسبت برای تجدید فکر دینی است.

امروز از گفتگوی ادیان و وحدت ادیان بسیار سخن گفته می شود ولی چه کسی می تواند پاس ابراهیم این پدر و پیام آور بزرگ ادیان سه گانهٔ جهان را اینطور گرامی دارد؟ و باز آیا وحدتی بهتر از این می توان تصور نمود که به همه پیامبران الهی از آدم گرفته تا موسی و عیسی و محمد (علیهم السلام) ایمان آورد و یاد شان را گرامی داشت؟ حج زیباترین مظهر این وحدت است. حج به آواز بسیار بلند نشان می دهد که چه کسی منکر پیامبران الهی و وحدت رسالت های سماوی است و چه کسی نیست؟

امروز از صلح جهانی صحبت می شود ولی چه کسی می تواند صلحی را برای ما نشان دهد که آزار به خزنده ای ناچیز هم در آن جایز نیست؟ جرگه ای که همه تعاون است در برابر تنازع. همه صلح است در برابر جنگ. در این گردهمایی بزرگ پرچم سپید صلح و صفا و امنیت در هر وجب و بر تن هر انسانی در درخشش است. در اینجا فرهنگ صلح حاکم است، صلح برای همه کس و همه چیز.

کار یزدان صلح و نیکوئی و خیر
کار دیوان جنگ و زشتی و شر است

این مظاهره و راه پیمائی عظیم پاسخی است برای همه کسانی که تهمت خشونت و ترور را بر دامان سپید اسلام چسپ می زنند.

امروز ما بسیار حرف می زنیم ولی کم عمل می کنیم ولی حج همه کار است و تلاش است و عمل. درین گردهمایی تنها یک عبارت بر زبان آورده می شود و بس که گلبانگ "لبیک، اللهم لبیک..." است.

حج کانون گرمی است که در عصر انفجار هویت ها، ما را در تشکیل هویت جمعی ما کمک می نماید. در اینجا هویت های قبیلوی، منطقوی، قیافوی و زبانی در یک هویت بزرگ جمعی ذوب می شوند. در اینجا نه تفوق طلبی است و نه زورگوئی. در اینجا همه علامات تمایز و تفاوت برداشته شده است و حتی لباس آدمی که بیانگر تمایز است و گاهی مانع درهم آمیختن انسان ها می شود به احرامی یکرنگ و ساده تبدیل می شود.

حج بازتاب قانون محوریت در نظام هستی و ناموس طبیعت است. اگر سیارات بدور محور شان می چرخند، اگر فرشتگان به دور بیت المعمور آسمانی طواف می کنند، اگر الکترون و نیوترون بر محور شان چرخ می زنند، انعکاس همه این چرخش ها را در آئینهٔ طواف زائران خانهٔ خدا به دور محور کعبه می توان مشاهده نمود. دراین بحر موزون و تابلوی متناسق، طواف تشریعی و گردش تکوینی با هم هماهنگ اند. حج با زبان رمز می گوید که تفاوتی میان کتاب باز طبیعت و کتاب فرود آمده از آسمان نیست.

خاقانی گوید:

هست به پیرامنش طوف کنان آسمان
آری برگرد قطب چرخ زند آسیاب

در این گردهمائی مقدس، زائران خانهٔ خدا تندیس های شیطان را که به شکل ستون های سنگی و سمنتی ساخته شده اند به عنوان تنفر از اهریمن، سنگباران کرده و دوری از پلیدی و شر را به صورت ملموس و محسوس آن در می آورند، همانطوری که ملت های استعمار شده گاهی پرچم های استعمار را به آتش می کشند. اما حج که زبان رمز و سمبول است در اینجا چه می خواهد بگوید؟ حج می گوید: کوبیدن این تندیس، کوبیدن ستون پنجم دشمن است که در درون هرکدام ما کمین گرفته و محصول انقلاب ها و مقاومت های خونین ما را در پای نحس خودش همواره قربانی کرده است. حج در گوش ما این رمز را آهسته زمزمه می کند که تا بر این شیطان لعنتی سوار بر نفس تان پیروز نشوید در همهٔ عرصه ها شکست خواهید خورد.

استاد شریعتی این سوارهٔ خنگ بلند پرواز اندیشه معتقد است که این سه تندیس، نمایندگی از سه شیطان حاکم بر تاریخ می کنند: زور، زر و تزویر. از نظر او سمبول تاریخی (زور) در قرآن فرعون است، سمبول تاریخی (زر) قارون است و سمبول تاریخی (تزویر) بلعم باعورا. و یا به عبارت دیگر: استبداد (زمامدار خود کامه)، استثمار (پول پرست مفتخوار) و استحمار (روحانی درباری).

در ارتباط به گفته دکتور شریعتی بی مناسبت نیست تا از سه اهریمن دیگری که بر روان آدمی تأثیر فوق العاده دارند یاد کنیم. این سه رزیلت که در سیاق آیات حج ذکر گردیده و از آن نهی صورت گرفته است عبارت از: (شهوت) و(نا فرمانی) و (خشونت) و یا به تعبیر آیت ۱۹۷ سوره بقره "رفث" و "فسوق" و"جدال" و به تعبیر سیاسی: امپریالیزم، انارشیزم و تروریزم است.

فخرالدین رازی در تفسیر کبیر خود می گوید: منظور خداوند از ذکر رزیلت های سه گانه، نیروهای سه گانهٔ (شهوانیه)، (قهریه) و(وهمیه) می باشد که خداوند از بندگان خویش می خواهد تا نیروهای یاد شده را به دست فرشتهٔ عقل مهار سازند. حال که یک هزار و چهار صد سال از نزول قرآن می گذرد، می بینیم که قهر و خشونت تروریزم و اوهام ادیان خرافاتی نسبت به هر وقت دیگری بیداد کرده و بشریت بیچاره را در اخطبوط سیاه خویش پیچیده و ما نیز در صف نخستین قربانیان آن ایستاده ایم. آری! شهوت سرمایه های حرام، خشونت تروریزم و خرافات روحانیت درباری تندیس های بزرگ شیطان در کشور ما اند که بایست سنگبارانش نمود.

امروز که هیولای زور بر روان ما خیمه افراشته است. امروز که روح ما از محتوای زهر آگین خشونت مملو شده است، امروز که همه جنگسالارانه می اندیشیم؛ آنکه در کرسی زعامت تکیه زده و آنکه در مقابل کمره تلویزیون و یا لودسپیکر رادیو نشسته همه با منطق زور سخن می گوید. آری! یکی از تفنگش آتش می جهد و دیگری از دهانش بوی باروت می آید و سومی از قلمش خون می تراود؛ نیازمند ترین خلق جهان به فلسفه و پیام تربیتگاه حج می باشیم. تربیتگاهی که همه پلیدی های خون و خشونت را با زمزم صلح و صلاح شستشو می دهد.

ادبگاهی است زیر آسمان از عرش نازکتر
نفس گم کرده می آید جنید و بایزید اینجا

زائران خانهٔ خدا در پایان مراسم حج شان به کعبه می روند تا دست خود را به سوی - (حجر الاسود) که در حدیثی (یمین الله فی الارض- دست راست خدا در زمین) خوانده شده است - دراز کرده و عهد و پیمان نهائی خود را با خدا بندند. آری! حج چیزی جز همین عهد و قرارداد نیست که در پایان این (جرگه) شکوهمند عقد می گردد. درس آخرینی که حج به ما تلقین می کند احترام گذاری به همین اصل عمدهٔ حیات اجتماعی است. روابط و مناسبات سیاسی چیزی جز تعهد نیست که اگر آن را برداریم دیگر همه چیز فرو خواهد ریخت. آیا بزرگترین اشتباه هتلر در جنگ جهانی دوم همین نبود که گفت: آیا می خواهید که به خاطر یک کاغذ پاره بی ارزشی که قرارداد خوانندش از یورش بر پولند خود داری نمایم. نتیجه کار هتلر همان شد که دیدیم.

فردوسی گوید:

مکن یاری مرد پیمان شکن
که پیمان شکن خاک دارد کفن

آخر چطور نهادی را می توان تصور نمود که بر مبنای پیمان شکنی و بد عهدی و نقض سوگند بنا یافته باشد.

حال، ای هموطن عزیز!

اکنون وقت آن فرا رسیده است که بیندیشیم، دینی که ویرانگر تعصبات جاهلی و مناسبات منحط قبیلوی و تحجر آن بود، چه شد که انسان های منحط و متحجری را در خود می پرورد؟! راه و مسیر ما چه وقت از راه و مسیر تمدنی حج جدا شد؟

تو که حرم را زیارت کردی، سعی کن تا سرزمین خودت را منطقه حرم سازی. سرزمینی که در طی دو دهه، دوازده میلیون لتر خون به روی آن جاری شد.

تو که در مسجد الحرام در جای پای بانی نخستین کعبه ایستاده ای کوششی کن تا سرزمین خودت را بازسازی کنی، زیرا (مسجد او این همه روی زمین).

تو که از حرم می آئی کوشش کن تا دست، جیب، دامان، زبان و قلم خویش را از حرام نگه داری.

تو که از سرزمین حجاز می آیی سعی کن تا با روحی پر و دلی سرشار برگشته و عنصری باشی سازنده و مثبت برای پروژهٔ هویت جمعی ما.

صفایی گوید:

هر زمانی عید قربان شما
هر زمینی بنگری، باشد منا
ای (صفایی) مرد میدانی اگر
عید قربان است هر روز ای پسر
هر سر خاری که بینی خنجر است
هر سر کویی منا و معشر است

احکام و مسائل قربانی

قربانی یکی از سنت های ارزشمند و دیرینهٔ اسلامی است که ریشه در ژرفای تمام ادیان الهی دارد و قدامت این سنت بزرگ، همپای تاریخ آفرینش انسان در گسترهٔ زمین است. انسان در برهه های مختلف تاریخ برای ابراز عقیدت، ایثار، جان نثاری و سرسپردگی به پیشگاه معبود خویش خواه حق و یا باطل به اشکال گوناگون قربانی کرده است، و زمانی که اسلام به عنوان آخرین دین، از افق مکه بر بشریت تأیید سنت قربانی را از قالب های نا روا و اشکال خرافی آن بیرون نمود و آن را ویژهٔ آفریدگار هستی قرار داد.

نخستین قربانی در تاریخ:

اولین قربانی در تاریخ بشر قربانی دو فرزند حضرت آدم علیه السلام هابیل و قابیل است که به منظور حل معضلهٔ ذات البینی شان به این کار مأمور شدند و حضرت هابیل ارادتمندانه بهترین و زیبا ترین گوسفند خویش را به بارگاه الهی قربانی کرد، اما قابیل قسمتی از گندم ناسرهٔ خود را به مثابهٔ قربانی به پیشگاه معبود پیشکش نمود، و در نتیجه قربانی هابیل قبول و قربانی قابیل رد گردید.

قرآن داستان آنان را این گونه به تصویر کشیده است:

و بخوان برایشان داستان - دو - فرزند آدم را به راستی، چون پیش کردند قربانی را، پس از یکی آن ها قبول و از دیگری رد گردید...

بزرگ ترین قربانی:

بزرگ ترین قربانی را در تاریخ انسان حضرت ابراهیم بت شکن - که همانا ذبح فرزندش اسماعیل باشد - به بارگاه پروردگارش تقدیم کرد. خداوند مهربان با ارسال فدیه یی از بهشت جان آن فرزند عزیز را نجات داد و امروزه که در هر نقطه یی از جهان اسلام منظرهٔ زیبای ذبح حیوانات به حیث قربانی مشاهده می شود، در واقع فدیهٔ اسماعیل است که پرداخته می شود، در واقع فدیهٔ اسماعیل است که پرداخته می شود، و هر مسلمانی با ذبح اشتر، گاو و یا گوسفندی مراتب عشق و از خود گذری خویش در راه خدا را به نمایش می نشیند.

قربانی حکمی واجب و فراگیر

هرچند، جای اصلی قربانی مکهٔ مکرمه است و سالانه صد ها هزار حاجی مسلمان در آن سرزمین مقدس صد ها هزار حیوان را به بارگاه خداوند شان قربانی می کنند و این عمل نیکو، یکی از مناسک حج قرار گرفته است، اما از آن جایی که رحمت الهی عام و فراگیر است و برای این که سایر مسلمانانی که توانایی حج کردن ندارند، از این نعمت بزرگ محروم نشده باشند، دین مقدس اسلام حکم قربانی را عام نموده و هر مسلمانی که توان مالی داشته باشد، بایستی در روز دهم ذوالحجه پس از ادای نماز عید اضحی قربانی نماید. کسی که با وجود داشتن استطاعت مالی از این امر خود داری ورزد، در حقیقت از امری واجب سر پیچیده است: چنان که پیامبر فرموده است: شخصی که با وجود وسعت ـ مالی ـ قربانی نکند، به عیدگاه ما نزدیک نشود.

فضیلت قربانی

با توجه به اهمیت و ابعاد تاریخی قربانی، این عمل پسندیده از دیدگاه اسلام دارای فضیلتی بزرگ و ارزشی والا است. چنانکه حضرت رسول اکرم در این زمینه می فرماید: هیچ عملی نزد خداوند در روز نحر ـ دهم ذوالحجه ـ نیکوتر از ریختن خون قربانی نیست...

در جایی دیگر خطاب به فاطمه می گوید: ای فاطمه! برخیز و در کنار قربانی خویش استاده شو، زیرا هر قطره یی از خون آن، که به زمین بریزد، خداوند در برابر آن گناهان گذشته ترا عفو خواهد کرد.

فاطمه پرسید: آیا این مژده تنها برای ما اهل بیت است، یا برای تمام امت؟ پیغمبر فرمود: هم برای اهل بیت ما وهم برای تمام امت.

عمل مسنون برای قربانی کننده

مولانا محمد یوسف اصلاحی یکی از دانشمندان مسلمان و معاصر در ذیل عنوان فوق می نویسد: شخصی که ارادهٔ قربانی دارد، با دیدن هلال ذوالحجه، موی هیچ قسمتی از بدن خویش را نه بتراشد و نه کوتاه کند و ناخن های خویش را نیز نگیرد. و پس از آن که قربانی را ذبح کرد، موی و ناخن خود را اصلاح نماید.

برای کسی که توانایی قربانی را ندارد، نیز بهتر است که در روز قربانی، موی و ناخن های خویش را نیز نگیرد. و پس از آن که قربانی را ذبح کردن، موی و ناخن خود را اصلاح نماید.

برای کسی که توانایی قربانی ندارد، نیز بهتر است که در روز قربانی، موی و ناخن خویش را اصلاح کند و نه - موی زیر ناف - خود را نیز بتراشد؛ چه این کار وی نزد خداوند به مثابهٔ قربانی محسوب می شود. طوری که پیامبر در پاسخ مردی که از وی پرسید: اگر نزد من بزی باشد که آن را به قصد شیر دادن کسی برایم داده باشد، آیا آن را قربانی کنم؟ فرمود: نه آن را قربانی نکن، بلکه در روز نحر - دهم ذوالحجه - موی خویش را اصلاح کن، ناخن هایت را بگیر و عانه ات را حلق نما، با این کار قربانی تو نزد خدا تکمیل می گردد:



حیوانات قربانی

حیواناتی که قربانی آن ها جایز می باشند عبارتند از: شتر، گاو، گاومیش، بز و گوسفند.

گفتنی است که بز و گوسفند را صرف یک نفر می تواند قربانی کند اما در گاو، گاومیش و شتر هفت نفر می توانند شریک شوند، به شرطی که سهم هر یک از شرکا ۱/۷ حصهٔ کامل باشد و هر یک از آنان باید نیت قربانی و عقیقه را داشته باشند، در صورت عدم تحقق این دو شرط، قربانی درست نمی باشد.

عمر حیوانات قربانی

شتر باید پنج ساله باشد. گاو و گاومیش باید دو ساله باشد. گوسفند و بز از یکساله باید کمتر نباشد. البته چوچه گوسفند شش ماهه که از لحاظ جسامت به اندازهٔ یکساله باشد، از این حکم مستثنی است و قربان کردن آن روا می باشد.

ویژگی های حیوانات قربانی

حیوانی که قربانی کرده می شود باید از عیوب ذیل مبرا باشد:

۱ـ کور نباشد. ۲ـ شاخ آن بیخ به گونه یی نشکسته باشد که حیوان را متضرر ساخته باشد. ۳ـ پای حیوان نباید قسمی لنگ باشد که آن را به زمین گذاشته نتواند. ۴ـ دست، پای و سایر اعضای آن قطع نباشد. ۵ـ خیلی لاغر نباشد.

وقت قربانی

روز های مشخص قربانی عبارتند از: دهم، یازدهم و دوازدهم ذوالحجه و یا به سخن دیگر روز های قربانی، روز اول، دوم و سوم عید اضحی می باشد. البته قربانی کردن در روز اول عید اضحی نسبت به دوم و سوم آن از فضیلتی ویژه بر خوردار می باشد.

شروط قربانی

برای وجوب قربانی فقهای مسلمان شرایط زیر را مدنظر قرار داده اند.

۱ـ غنی بودن، شخصی که قربانی می کند باید دو صد درهم اضافه از نیاز مندی خود داشته باشد که این مبلغ در نصاب زکات نیز شرط است و یا اجناسی را دارا باشد که قیمت آن مبلغ مذکور را پوره کند.

۲ـ مسلمان بودن. ۳ـ اقامت در وطن یعنی بر مسافر قربانی واجب نیست.

قربانی از سوی مردگان و اقارب

اگر کسی توانایی مالی داشته باشد و بخواهد از جانب پدر، مادر، مادرکلان، پدر کلان وسایر اقارب خویش در حالت مرگ و یا زندگی آنان قربانی کند، کاری است پسندیده و پاداش آن برایش داده خواهد شد. همچنان قربانی از طرف پیامبر و ازداوج مطهرات موجب خوشبختی و سعادت می باشد.

مسائل متفرقه

- از حیوان قربانی بدون ضرورت نباید استفاده شود. یعنی در سواری و باربری از آن کار گرفته نشود.
- در وقت قربانی، فقط نیت قلبی کفایت می کند، اما خواندن دعا به زبان بهتر است.
- تقسیم گوشت قربانی به سه حصه و سپس توزیع یک حصهٔ آن بر فقرا و مساکین مستحب است.
- دروقت ذبح حیوان کارد و یا چاقوی که توسط آن ذبح صورت می گیرد، باید تیز باشد.
- حیوان در وقت ذبح روی به قبله خوابانده شود، و این دعا را نیز کسی که ذبح می کند باید بخواند: (اللهم تقبل منی، کما تقبلت من حبیبک محمد و خلیلک ابراهیم).
- اگر در گاو و گاومیش و شتر چند نفر شریک باشند تنها باید گوشت را تقسیم نکنند، بلکه سر، پا، گرده، دل و جگر و سایر اعضای آن را شامل تقسیم هفت حصهٔ مساوی تقسیم نمایند.
- اجورهٔ قصاب و یا کسی که برای این کار استخدام می شود، نباید از گوشت و پوست قربانی اعطا گردد.
- دادن گوشت قربانی به غیر مسلمان جایز است، اما دادن آن در بدل مزد ناروا می بشد.
- پوست قربانی را هم می توان به فقرا داد و هم می توان آن را فروخت و پول آن را صدقه داد.
- شخصی که قربانی بروی واجب است الزاماً باید قربانی کند. کسی که قربانی بر او واجب نیست، اما با قربانی نمودن به مشکلی رو به رو نمی شود، بهتر است که قربانی کند.

*

عید سعید اضحی و فلسفهٔ...

در قصیدهٔ مشهور خود که با این مطلع آغاز می شود:

حاجیان آمدند با تعظیم
شاکر از رحمت خدای رحیم

از مقام های مختلف از زائر حج می پرسد و در مقام های مختلف که آن را زائرین حج به خوبی انجام نداده اند و به آن این حجاج نی می گویند باز می پرسد:

گفت نی گفتمش چو سنک جمار
همی انداختی به دیو رجیم
از خود انداختی بیرون یک سر
همه عادات و فعل های ذمیم؟

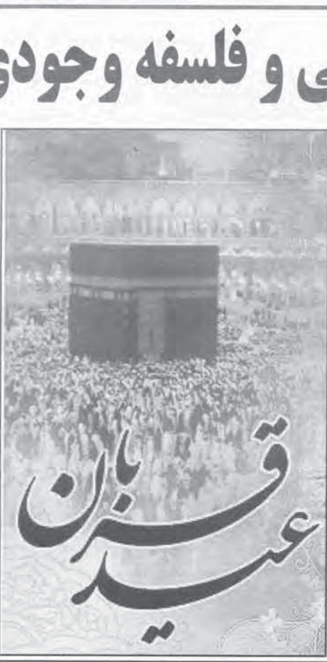
از این سخنان عرفاء و شاعران بزرگ معلوم می گردد که انسان در حج باید با شیطان نفس برزمد و آن را از زندگی خود بیرون سازد، در غیر آن حج سودی برای شخص به بار نخواهد آورد.

حج نه تنها بازگشت به خویشتن خویش است؛ بلکه اجماع مسلمانان در یک سال محسوب می شود. باید از مسلمان های که در بند و زنجیر و اسارت قرار دارند، آگاه شد و به کمک آنها شتافت و مسلمانان به وسیلهٔ حج می توانند از اقصای عالم اسلام آگاه شد، که این خود یک همبستگی جهانی مسلمانان به حساب می آید. فریضهٔ حج در حقیقت یکنوع ریاضت جسمی، تعبدی و راز و نیاز به بارگای ایزد متعال می باشد، انسان در مناسک حج به برخی از اعمال و ریاضت جسمی می پردازد، تا جسم و روان انسان آمادهٔ قبول فیوضات الهی گردد. حج یک میثاق جهانی در میان مسلمانان است، حج تجدید تربیت و تجربهٔ جهانی است که مسلمانان از تجارب سائرین سائر کشور های اسلامی بهره مند می گردند، حج فقط فرو رفتن به مکنونات درون انسان نیست؛ بلکه مس لمانان به وسیلهٔ حج می توانند با سائر مسلمانان عالم رابطه برقرار نمایند. این رابطه می تواند در تقویهٔ دنیای اسلام ممد واقع گردد؛ به سخن دیگر حج کنگرهٔ دنیای اسلام است، که باید از آن به سود مسلمانان عالم کار گرفت و تجارب خود را به سائر مسلمانان عالم در میان گذاشت. شرطی قبولی حج در تغییر سلوک انسان نهفته است، وقتی انسان از مناسک حج بر می گردد، باید در اخلاق و کرکتر انسانی وی تغییرات رونما گردد.

فلسفهٔ حج بازگشت به زندگی قبل از رفتن به اماکین مقدسه نیست؛ بلکه حج وسیله است برای تغییر سلوک انسان. حج انسان را از همه جوانب تصفیه می نماید، تا انسان بتواند در نتیجهٔ آن به یک انسان سالم تبدیل گردد، حتا گفته اند که تعلیم و تربیه، همانا تغییر در سلوک جوانان است و در نتیجهٔ تعلیم و تربیه اگر در سلوک جوانان تغییرات به وجود نیاید، در حقیقت نظام آموزش و پرورش؛ طوری که از نتیجهٔ آن انتظار برده می شود، نتیجهٔ مطلوب به دست نخواهد آمد. حج جایگزین ارزش های جدید در وجود انسان است؛ به سخن دیگر باید در وجود انسان بعد از اعمال حج یک سلسله تغییرات مثبت رونما گردد و انسان از دام های حیوانی و شیطانی در نتیجهٔ این اعمال خود را برهاند. باید گفت که ریاضت و عبادت دو شاخه یی این رکن اسلامی است، تهذیب و تزکیه نفس از شوائب حرکات غیر انسانی از نتائج نخستین این رکن اسلامی است و این راه های است که یک مسلمان به وسیلهٔ انجام آن به این پیشرفت های معنوی و انسانی دست می یابد.

عید سعید اضحی و فلسفه وجودی آن در اسلام

***تکساری**



در آیین مطهر اسلام، فقط دو عید و خوشی وجود دارد، که ریشه در نصوص دینی ما دارد و این دو عید به عنعنه و میراث های تاریخی ما؛ مثل: نوروز، مهرگان، جشن سده و..... ارتباط ندارد و این دو روز از روز های اسلامی ما محسوب می شود. عید سعید اضحی که ریشه و پیوند خود را به ابراهیم و اسماعیل علیهما اسلام می رساند و در چنین روزی اسماعیل علیه السلام به دستور پدر به قربان گاه رفت و خود را در راه تعمیل فرمان الهی آمادهٔ قربانی نمود. عید اضحی نه تنها یکنوع دلجویی و رسیدگی به مستمندان است؛ بلکه انسان مسلمان باید همواره در برابر حکم الهی آمادهٔ فرمان الهی باشد.

حج که از رکن پنجم اسلام است و در عمر یکبار برای کسانی که واجد شرایط نصاب بوده و زاد و راحله داشته باشد، فرض است. حج در حقیقت تزکیهٔ نفس و بیزاری از طاغوت است، انسان وقتی در برابر مجسمه سنگی می ایستد و به آن سنگ پرتاب می کند، در حقیقت با شیطان، خود خواهی و طاغوت نفس وداع می نماید و حج از این زاویه مبارزهٔ نفس، بابت های خود ساخته انسان می باشد که انسان را همیشه گمراه می سازد. به گفتهٔ دیکارت انسان ها با بت های چند بزرگ می شوند و این بت ها سرنوشت انسان را به بیراهه می کشد و این بت ها مسیر انسان ها را از مجرای اصلی اش بیرون می آورد. تا زمانی که انسان این بت ها را از خود دور نسازد و خود را از آن پاک نکند، هیچگاه انسان شایسته درگاه خداوند نخواهد بود. کسب اخلاق حمیده و زدودن اخلاق رذیله از مبادی انسان راستین و مسلمان درستکار می باشد. نمی شود با بت های غرور و خودخواهی بنای بزرگ اسلامی را در وجود خود بنیاد نهاد. ناصر خسرو

ص۶

پیامد های پیمان امنیتی با امریکا

ادامه از صفحهٔ ۸

افغان خوانده می شود به خواست امریکا خواهد بود وشرایط آن را امریکا معین خواهد ساخت از جمله مسئلهٔ امنیت قضائی سربازان امریکایی در صورت ارتکاب جرم.

پیمان های امنیتی یا نظامی به خاطر اهداف عملی که در آن مضمر است از هم فرق می شوند. در سال ۱۹۴۸ اتحاد شوروی پیمانی را با بلغاریا عقد نمود که به موجب آن «هرگاه یکی از دوطرف قرارداد به فعالیت های نظامی کشانده شود، جانب دیگر بلافاصله امکانات نظامی و سایر ظرفیت های مورد نیاز را به دسترس طرف مقابل قرار می دهد». طبیعی است که در آن زمان بلغاریا مورد تهدید خاصی قرار نداشت اما اتحاد شوروی به خاطر حفظ منافع خود در اروپای شرقی، با این کشور چنین معاهده ای را امضا کرده بود تا در صورت نیاز، از سرکشی کسانی چون مارشال تیتو در یوگوسلاویا، کشور همسایهٔ بلغاریا جلوگیری نموده باشد. امریکا هم با کشورهای دیگر بر بنیاد همینگونه اهداف قرارداد امنیتی امضا می کند اما بعضی از کشورها محدودیت های بیشتری را بر فعالیت های امریکایی ها در داخل خاک خویش برقرار می کنند که ترکیه یکی از این گونه کشورهاست.

ترکیه قرارداد استقرار پایگاه را زمانی با امریکا امضا کرد که نیروهای ملی گرا در ترکیه قدرتمند بودند. به همین دلیل آنها شرایط خود را بر امریکا طوری قبولاندند که منافع ملی شان تا حدی که ممکن بود محفوظ باقی بماند از جمله هیچ سرباز امریکایی حق ندارد با یونیفورم از پایگاه خود خارج شود، هیچ موتر نظامی امریکایی ها حق گشت و گزار بر جاده ها را ندارد، نیروهای امریکایی در عملیات خویش دست باز ندارند بلکه، باید ترک ها را در جریان بگذارند و در مورد عملیات نظامی در کشورهای دیگر، باید اجازهٔ پارلمان ترکیه را داشته باشند. به همین دلیل بود که ترکیه اجازهٔ استفاده از پایگاه انجرلیگ را در جریان حمله به عراق به امریکا نداد.

نوع دیگری از این گونه پیمان ها پیمان نظامی (آنزوس) میان امریکا، آستralیا و نیوزیلند است. در این پیمان مشخص نشده که در صورت بروز خطر جنگ، طرفین باید حتما به کمک همدیگر بشتابند یا خاک خود را در اختیار همدیگر قرار دهند بلکه، در آن تصریح شده که در صورت بروز خطر، طرفین مطابق به حکم قانون اساسی خودشان عمل می کنند.

اما باید به این نکتهٔ مهم توجه داشت که این پیمان ها در دوران جنگ سرد به میان آمدند که دنیای دوقطبی، بستن چنین پیمان ها را تا حدی موجه جلوه می داد در حالی که ما اکنون بیش از دو دهه از دوران جنگ سرد فاصله گرفته ایم. در طول این مدت، روابط بین المللی دچار تغییرات مهمی شده است.

دکتورین مداخله در کشورها بر بنیاد مقاصد بشر دوستانه که حق حاکمیت ملی کشورها را زیر پا می سازد، از پدیده های بعد از جنگ سرد است. ناتو در سال ۱۹۹۹ به کوسوو حمله برد و این مسئله موجب نگرانی های در ماسکو و پکن گردید. دکتورین جدید نقش سازمان ملل متحد را به شدت تضعیف کرد و این اقدامات بعداً از جانب امریکا ۲۰۰۳ در عراق و از جانب ناتو در سال ۲۰۱۱ در لیبیا هم ادامه یافت. اما گذشت زمان این حقیقت را روشن ساخت که نیروی نظامی هرقدر قدرتمند و کوبنده باشد، در بعضی موارد گره گشای مشکل نخواهد بود. مداخلهٔ امریکا در عراق و افغانستان به نتایج مورد خواست امریکا نیانجامید و ثابت شد که این نیرو شکست ناپذیر نیست. با توجه به چنین حقیقت می توان گفت که در شرایط بعد از جنگ سرد، تنوع اشکال قدرت موجب پیچیده گی های فراوان در تعریف این مقوله شده است به حدی که تعریف کلاسیک از قدرت نظامی می تواند گمراه کننده باشد. امروز شرکت های فراملیتی در کشورهای معروف به جهان سوم، با سرمایه های خویش می توانند کارهائی را انجام دهند که نیروهای نظامی از آن عاجز اند. در جهان معاصر، ایجاد تعادل میان منافع متضاد قدرت های مختلف در داخل مرز های یک کشور جهان سومی با ضعف ظرفیت در عرصهٔ عناصر نخبه در عرصهٔ سیاسی و از هم گسیختگی های اجتماعی می تواند موجب بحران هائی گردد که مهار آن از توان ناتو هم خارج باشد. این همان حقیقتی است که ما در *افغانستان عملاً شاهد آن هستیم.*

یازده سال قبل که نیروهای امریکایی به افغانستان گام نهادند، انتظار این بود که آنها صلح و امنیت را در افغانستان برقرار سازند اما تجربه قبل از آنها یعنی ارتش سرخ نیز این حقیقت را آشکار ساخته بود که با نیروی بیگانه نمی توان صلح و ثبات سیاسی را در افغانستان برقرار ساخت و جلو مداخلات همسایه ها را گرفت. وقتی این نیروها علاقه ای به جلوگیری از حملات مستقیم پاکستان به خاک افغانستان ندارند، امید اینکه از طریق پایگاه های شان با مداخلات غیرمستقیم مقابله کنند، انتظاری بیجا و بی مورد است.

هدفی که امریکا را به این منطقهٔ از جهان کشانیده، کنترول منابع انرژی و پایپ لاین هایی است که قرار است از طریق افغانستان منابع انرژی را منتقل سازند و نیز اهداف پیچیدهٔ دیگری چون مهار چین و تهدید ایران.

بنابراین وقتی رئیس جمهور کرزی امریکایی ها را به دو روئی در جنگ علیه تروریسم متهم می سازد، ظاهراً به این نکته توجه ندارد که امریکا برنامهٔ این مبارزه را بر بنیاد منافع خود عیار ساخته است. پاکستان کشوری است که برای امریکا در این نقطهٔ حساس از جهان ارزش حیاتی دارد. اکنون زمان آن فرارسیده تا ما این حقیقت را بپذیریم که پاکستان در بازی امریکا در این منطقه از جهان یک شریک بازی است اما افغانستان فقط میدانی است که این بازی در آن جریان دارد.

امضای قرارداد امنیتی به امریکا این فرصت را می دهد که مبارزه علیه شورشگری را به حکومت افغانستان واگذار نماید و جنگ داخلی را بعد از سال ۲۰۱۴ تا آیندهٔ نامعلوم ادامه دهد. اینکه امریکا در طول یازده سال گذشته نخواست تا نیروهای افغان تقویت گردد به خاطر این بود که قدرت نظامی می توانست تا حدی به افغانستان قدرت مقاومت در برابر بازیگران را بدهد.

اگر رئیس جمهور می خواهد واقعاً کاری برای ملت انجام دهد و افغانستان را از میدان بازی به شریک در بازی مبدل سازد باید به پروسهٔ صلح با مخالفین مسلح با دید جدی تری نگاه کند. او نباید تاکید روی این نکته داشته باشد که مذاکرات صلح باید به رهبری حکومت افغانستان صورت گیرد بلکه، ازامریکایی ها بخواهد تا دفتر قطر را به عنوان آدرسی برای طالبان هرچه زودتر بگشایند. امریکایی ها به این بهانه که گشایش دفتر قطر موجب خشم حکومت های افغانستان و پاکستان می شود، پروسهٔ صلح را به گروگان گرفته اند.

وقتی این دفتر به صورت رسمی گشایش یابد، طالبان مجبور خواهند شد تا مواضع رسمی خود را در مورد جنگ و صلح با همه جهت ها در افغانستان و خارج از افغانستان شریک سازند. این قدم اول به سوی گفتگو های صلح خواهد بود. اگر این کار صورت نگیرد و رئیس جمهور کرزی قرارداد امنیتی با امریکا را امضا نماید، نتیجه این خواهد شد که امریکا به افغانستان برای ادامهٔ جنگ داخلی کمک خواهد کرد. جنگی که سال های طولانی ادامه خواهد یافت و در آن فقط افغان ها کشته خواه[illegible]د و امریکایی ها در پایگاه های شان نمس[illegible]ی حالت خواهند بود. آیا هدف از امضای این قرارداد چیزی غیر از اینست؟

لوی اختر...

د حج د مقدسې فریضې ګڼ مناسك یې د مسلمانانو لپاره یادونه کوي: که هغه د الله جل جلاله د کور ښکلې نظاره او ورڅخه طواف دی او که د ابراهیم علیه السلام د قدمونو تاریخي ځای دی، د صفا او مروه د دوه وو کوچنیو غونډیو تر منځه د اوه ځلو تېز تګ او منډو مناسك دي او که د اسماعیل علیه السلام د قربانۍ د یاد تازه کوونکي قربانیو قربان ځای دی، چې د بشریت په تاریخ کې له ټولو لویه قرباني ګڼل کیږي او له همدې امله نیکمرغه لوی اختر ته د قربانۍ اختر وایي او که هغه د اسلام د پیغمبر او دهغه لومړنیو پیروانو صحابه کرامو زیارتونو ته تګ دی، هغوی چې د جهاد، دعوت او مبارزې ځلي دي او مسلمانانو ته د حق په لیار کې د قربانۍ درسونه دي. نو مسلمان حاجي چې هر منسك ترسره کوي، په حقیقت کې د اسلام ددغه عظیم رکن (حج) په ترسره کولو ابراهیمي یادونه او د قربانۍ اندونه تازه کوي. نو اړینه ده چې باید د حج د ښودل شوو احکامو او مناسکو په بشپړ رعایت سره یې ترسره کړي؛ ځکه د حج فریضه په مجموع کې او هر حکم او منسك یې په ځانګړې توګه د مسلمانانو لپاره د قربانۍ، یووالي او همغږۍ درس دی چې اسلامي نړۍ او په ځانګړې توګه افغانان ورته له بل هر چا څخه زیاته اړتیا لري.

د قربانۍ له دغو درسونو څخه یو داده چې د اختر په ورځو کې باید د اختر خوښۍ د بې وزلو او ناتوانو وګړو او کورنیو سره شریکې کړای شي او دا چې د لوی اختر په ورځو کې مسلمانان د الله جل جلاله میلمانه اوسي نو د غریبو او ناتوانو وګړو دسترخوانونه باید هم د ټولنې د توانمندو او مالدارو وګړو په مرسته رنګین وګرځي او د هغوی د کورنیو او اولادونو په خوښیو کې شریکولو سره باید د الله جل جلاله له لورې دغه د میلمستیا ورځې نورې هم رنګینې شي او د ایثار، قربانۍ، همدردۍ او مرستې بنیادي ارزښتونه باید د مسلمانانو سره د نورو ورځو په پرتله، د اخترونو په ورځو کې، لا ډیر ژوندي مجسم او تحقق موندونکی و ګرځي.

او هم باید د خوښۍ او عبادت دغه ورځې د مسلمانانو لخوا د ناروا کړنو او بې ځایه لګښتونو څخه خالي اوسي؛ هر مسلمان باید کوښښ وکړي چې له هغو ناروا لګښتونو څخه ځان وساتي چې اسلام یې اجازه نه ورکوي. یعنې که اختر د خوښیو د تظاهر ورځې دي نو باید چې کړنې او لګښتونه دواړه پکې د اسلامي شریعت د لارښوونو او آدابو په رڼا کې ترسره شي؛ د جاهلیت له رواجونو لکه د مړو قبرونو ته تګ او نورو خرافاتي عملونو او د قمار له بېلابېلو ډولونو او ډزو کولو څخه پکې ډډه وشي چې ډیر ځلې د مسلمانانو خوښۍ په غمونو بدلوي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۲۹) ۲ عقرب ۱۳۹۱ ۷ ذوالحجه ۱۴۳۳ - 23 October 2012

پیامد های پیمان امنیتی با امریکا

***وحید مژده**

کار روی توافقنامهٔ امنیتی میان افغانستان و ایالات متحدهٔ امریکا ادامه دارد. این کار در شرایطی صورت می گیرد که ظاهراً روابط میان رئیس جمهور کرزی و امریکا بیش از هر زمان دیگر سرد است. کرزی امریکایی ها را به دو روئی در امر مبارزه با تروریسم متهم کرده است.

حکومت افغانستان بعد از امضای توافقنامهٔ استراتژیک با امریکا، بیهوده انتظار داشت تا نیروهای امریکا در قبال حملات پاکستان علیه مناطق مرزی افغانستان دست به واکنش علیه پاکستان بزنند. سابقهٔ عملکرد امریکا در مورد کشورهایی که میزبان پایگاه های امریکا در خاک شان بود اند، نشان روشن از ساده اندیشی مقامات افغان است. امریکا در جریان جنگ های هند و پاکستان دست به اقدامی به نفع پاکستان نزد و سربازان امریکایی در پایگاه شان در خاک پاکستان در این جنگ بی طرف باقی ماندند. از آن مهمتر امریکا حتی در مورد اعضای ناتو نیز کاری در جهت حل منازعه انجام نداده است. ترکیه در زمانی که برای غرب نقش بسیار حیاتی به عهده داشت نتوانست در منازعه با یونان بر سر جزیرهٔ قبرص، از حمایت امریکا بهره ببرد. بخش مهم این قرارداد همانا دوام حضور نیروهای خارجی در افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ خواهد بود. شرایط این حضور چه در پایگاه های مستقل و چه در مراکزی که به نام قرارگاه های مشترک با سربازان

ص۷

ایکو و چشم انداز توسعه در منطقه



◆ نذرالله عنایت

روز سه شنبهٔ هفتهٔ که گذشت، دوازدهمین نشست سران کشورهای سازمان همکاری های منطقه یی یا (ایکو) در باکو پایتخت آذربایجان به میزبانی رئیس جمهور آن کشور، آقای الهام حیدر علی اوف برگزار گردید.

رئیس جمهور کشور حامد کرزی در این نشست شرکت کرد و بار دیگر تروریزم را برای تمام منطقه یک تهدید جدی خواند و از تمام کشورهای عضو ایکو خواست تا مبارزهء مشترک علیهٔ تروریزم را پی گیری نمایند. آقای کرزی در مجلس سران کشورهای عضو سازمان همکاری های اقتصادی ایکو، اظهار داشت اگر اعضای این سازمان از امکانات دست داشتهٔ خود استفاده کنند، مشکلات بسیاری در منطقه حل خواهد شد.

رئیس جمهور به سران کشورهای ایکو هشدار داد، در صورتی که کشورهای منطقه به معضل تروریزم توجه نکنند، احتمال دارد که این تهدید دامنگیر آنان نیز شود.

آگاهان امور نگرانی رئیس جمهور کرزی را تأیید می کنند، اما می گویند با در نظرداشت تضادهای سیاسی موجود در منطقه، برای ایکو امکان ندارد که در این عرصه همکاری منطقه یی را جلب کند.

کشور پاکستان که یکی از اساس گذاران این سازمان است، در حال حاضر از یک سیاست دو پهلو در امر مبارزه با تروریزم استفاده می کند. راهبرد این کشور در امر مبارزه با تروریزم همراه با پیچیدگی ها و پارادوکسی می باشد که کشورهای غربی را نیز در منطقه به چالش کشیده است. وقتی پای ناتو در امر مبارزه با تروریزم می لنگد، چگونه می شود که اعضای ایکو این بن بست را بشکند و با اعتماد کامل از یک سیاست واحد در این زمینه بهره گیرند؟

جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به حساسیتی که در قبال غربی ها در منطقه دارد، صادقانه نبرد را علیه افراطی گری و تروریزم دنبال نمی کند. هر چند این کشور در برخی از موارد قربانی تروریزم شده است، اما بنا به مقولهٔ معروفی که می گویند "دشمن دشمن، دوست من است" با تروریزم جهانی از سیاست مدارا کار گرفته و حتی در برخی از موارد متهم به حمایت از تروریزم شده است.

در این میان کشور ترکیه که به دنبال منافع اقتصادی می باشد، سیاست راست را در قبال اهداف اصلی این سازمان تا کنون تعقیب نموده است. درحالی که این کشور، با غرب روابط گسترده دارد و متهم به حمایت تروریزم پروری نیست، از پتانسیل و ظرفیت توسعه در چارچوب این سازمان بیشتر برخوردار است.

کشورهای حوزهٔ آسیای مرکزی که تعداد بیشتر شان هنوز به مثابهٔ حیات خلوت روسیه تلقی می شوند، حضور امریکا را خطرناک تر از حضور تروریزم در منطقه می پندارند و بدین گونه نوعی سیاست گرم هماهنگ در این منطقه در برابر تروریزم از سوی آنان دیده نمی شود.

در حالی که استراتیژی سیاسی کشورهایی این منطقه در امر مبارزه با تروریزم همراه با تضادها می باشد، پرسش اصلی این است چگونه می شود باور کرد که ایکو افغانستان را در امر مبارزه با تروریزم حمایت کند؟

در یک چشم انداز دیگر برخی از آگان امور باور دارند، حضور غرب در منطقه برخی از این کشورها را در موضوع افغانستان منفعل ساخته است. در صورتی که پس از ۲۰۱۴ نیروهای ناتو افغانستان را ترک کند کشورهای عضو این سازمان و حتی روسیه و چین، افغانستان را کمک خواهند کرد، تا به با چالش های موجود مقابله نماید و از رشد و توسعهٔ بیشتر در چارچوب همکاری های منطقه ای بهره ببرد.

قابل یادآوری می دانم که در دههٔ نود میلادی در افغانستان هیچ سرباز عربی وجود نداشت، اما برخی کشورهای همین منطقه بودند که تروریزم را حمایت کردند و برای کمتر از یک دهه رخش ویرانگر افراطیگری میداندار اصلی این مرزبوم بود. دولت اسلامی وقت و نیروهای مقاومت به تنهایی از این کشور دفاع کردند و صدای آنان را در طول ده سال کسی نشنید.

حالا که از جنگ علیه تروریزم ۱۱ سال می گذرد، هنوز شبکهٔ القاعده و شاخه هایی مرتبط به آن، مانند جنبش اسلامی ازبیکستان، تحریک طالبان پاکستانی، جنبش ترکستان شرقی، جنبش چچن، درکنار ملا محمد عمرآخند، جلال الدین حقانی، گلبدین حکمتیار، در آن سوی مرز دیورند حضور فعال دارند و به طورگسترده حملات خود را از آن سوی دیورند سازماندهی و اجرا می نمایند.

برای اینکه سازمان ایکو بتواند اهدافش را دنبال نماید در قدم نخست افغانستان را در امر مبارزه با تروریزم حمایت کند و مراکز آموزشی تروریستان را در منطقه شناسایی و از بین ببرند. موضوعی که در سخنرانی رئیس جمهور افغانستان در باکو به آن اشاره شد. زیرا **ا فغانستان حیثیت پل ارتباطی را میان کشورهای عضو دارد، در صورتی که این کشور صحنهٔ نبرد باشد، شاخص های توسعه را در چارچوب این سازمان منتفی می سازد.**

ایکو یک سازمان منطقهٔ دولتی محسوب می گردد که در سال ۱۹۸۵ از سوی ایران، پاکستان و ترکیه با هدف پیشبرد همکاری های اقتصادی، فنی و فرهنگی میان کشورهای عضو تاسیس گردید. در ۱۹۹۲، سازمان هفت کشور دیگر را به عضویت پذیرفت که آنان عبارتند از: افغانستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان.

ابوبکر سبزوار

در جستجوی سربازان گمشده!

مقامات روسی از مردم افغانستان تقاضا کرده اند تا در مورد سرنوشت بیش از ۲۰۰ سرباز روسی که در جریان تجاوز اتحاد شوروی در افغانستان مفقود الاثر شدند، معلومات بدهند. این سربازان در دوران حدود ده سال جنگ در افغانستان، ناپدید شده اند و مقامات روسی انتظار دارند که شاید تعدادی از آنان هنوز هم زنده باشند.

کسانی که در جریان جنگ کشته شدند و نیروهای روسی قادر نشدند اجساد آنان را باخود ببرند، دیگر امکان دریافت بقایای اجساد شان وجود ندارد اما به نظر می رسد که منظور از این درخواست، یافتن کسانی است که ممکن است هنوز هم زنده باشند. روس ها امیدوار اند که این افراد را در افغانستان و یا پاکستان بیابند.

نکتهٔ مهم در این ماجرا اینست که در دوران تجاوز شوروی به افغانستان، مقامات نظامی آن کشور به سربازان خویش به صورت یکسان ارزش قایل نبودند. به عنوان مثال در برابر سه سربازی که در ولایت بغلان توسط یک فرماندهٔ حزب اسلامی به نام داکتر اسماعیل دستگیر شده بودند، حاضر شدند تا تعداد زیادی از زندانیان مجاهدین را آزاد سازند و حتی مقداری اسلحه هم به مجاهدین بدهند. گفته می شد که یکی از این سه سرباز پسر یکی از اعضای مهم حزب کمونیست شوروی بود اما در تبادلهٔ بعضی از سربازان، چنین سخاوتمندانه رفتار نمی کردند.

در دوران این جنگ، بعضی از سربازان ارتش سرخ به مجاهدین تسلیم شدند، مسلمان گردیدند و حتی گزارشاتی هم از کشته شدن آنها در جنگ با ارتش سرخ در دست است. در تقاضای روس ها از افغان ها برای دادن اطلاعات در مورد سربازان مفقود شدهٔ شان مشخص نیست که این سربازان فقط شامل سربازان روس است و یا همه قلمرو اتحاد شوروی سابق را شامل می شود که در جنگ افغانستان سهم گرفتند. در آن زمان سربازان اوکراینی کمتر علاقه به جنگ داشتند و لااقل چهار تن از آنان در سمت شمال تسلیم مجاهدین گردیدند که بعداً مسلمان شدند. مجاهدین برای آنان نام های نیک محمد و تاج محمد و نورمحمد را اختیار نمودند. آنها ازدواج کردند که همین اکنون هم شاید در شمال افغانستان باشند. آنها زبان مردم محل را به خوبی فرا گرفتند و بعد از اینکه جنگ میان احزاب مجاهدین درگرفت، آنها هویت اصلی خود را پنهان می کردند. یک سرباز ارتش سرخ از قزاقستان نیز به مجاهدین پیوست و در شمال افغانستان زندگی می کرد. او هم ازدواج کرده بود. او بعداً به طالبان پیوست و قرار اطلاع چند سال قبل توسط حکومت افغانستان دستگیر شد.

وقتی سربازی از ارتش سرخ به مجاهدین می پیوست، مورد اعتماد آنان قرار می گرفت و با آنها یکجا زندگی می کرد. نصرت الله که به جبههٔ حزب اسلامی به رهبری انجنیر سلیم شهید در بغلان پیوست، یکی از آنها بود. او در جنگ همیشه در کنار فرماندهٔ جبهه می بود و یکبار که انجنیر سلیم در جنگ مجروح شد، همین مرد او را روی شانه گرفت و به پشت جبهه انتقال داد.

یکی از فرماندهان مجاهدین در ولایت بغلان می گفت که در سرمای سخت زمستان همراه با گروپی از مجاهدین بعد از طی مسافتی طولانی به قرارگاه انجنیر سلیم در لرخواب رسیدیم. از دودکش بخاری مهمانخانه دود به هوا بلند بود و نشان می داد که بخاری روشن است. جلوی در مهمانخانه یک سرباز تسلیم شدهٔ روسی در همان هوای سرد در حالی که نیمهٔ بالای بدنش عریان بود، تبر به دست مشغول شکستن هیزم بود که با تکان دادن سر به ما خوش آمد گفت.

داخل اتاق شدیم اما کسی در آنجا نبود. آب در آبدان بخاری می جوشید و وسایل تهیهٔ چای هم در اتاق موجود بود. چای درست کردیم و مشغول نوشیدن شدیم. چای بسیار خوشمزه بود و یکی از همراهان گفت که این منطقه آب بسیار خوبی دارد که از یک چشمه به دست می آید. البته خستگی ما هم سبب شد تا چای را خوشمزه احساس کنیم. نوشیدن چای را تمام کرده بودیم که سرباز روسی داخل اتاق شد درحالی که چوب نازکی در دست داشت. او چوب را داخل آبدان بخاری نمود و از میان آب جوش، پیراهن خود را بیرون آورد!

این سرباز همان نصرت الله بود که بعد از پیوستن به مجاهدین، به عنوان یک مجاهد در جنگ علیه روس ها سهم گرفت، ازدواج کرد و فرزندانی داشت. بعد از برقراری حکومت مجاهدین، نصرت الله در بازار پلخمری نزدیک مسجد جامع دکان کوچکی داشت که با توسعهٔ صحن مسجد، دکان او هم ویران شد و از آن به بعد اطلاعی از او در دست نیست.

زوایای ناپیدای جهاد افغانستان حرف های ناگفته بسیار دارد که از آن جمله زندگی همین افراد می تواند سناریوی بسیار جالبی برای ساختن یک فیلم در مورد جهاد افغانستان باشد.